



سلامی توأم بادعای خیر



«**عزت‌الله انتظامی**

مدتی است که متوجه شدم پوستر رسمی سی‌وچهارمین جشنواره جهانی فیلم فجر منقش به پلاتنی از فیلم تحسین‌برانگیز «گاو» است. طبعاً خوشحال شدم در این جشنواره جهانی به فیلم مهم تاریخ سینمای ایران توجه شده و مهم‌تر اینکه آنچه باعث دلگرمی‌ام شد این است که هنرمندان و جوان‌ترها، گذشتگان و تاریخ سرزمین‌شان را فراموش نکردند و حق‌شناسی را به‌جا آوردند. امروزه همه می‌دانند بنای فاخر سینمای ایران با زحمت و باذقت آجربه‌آجر توسط هنرمندان این‌ مرزوبوم و با هزار خون‌دل‌خوردن پیریزی شد. پس آیندگان باید قدردان گذشتگان و تلاش‌های وافرشان باشند. باید این چراغ پرفروغ تا ایران سرفراز، همچنان ایران است - الهی برقرار باشد - روشن باقی بماند. باید این تاریخ دست‌به‌دست شود و درس‌هایش را فراموش نکنیم. برای هنر و فرهنگ سرزمین عزیزمان، ایران، هر چقدر هم کار کنیم، باز کم است. همان‌گونه که ما وام‌دار گذشتگان خود هستیم. آیندگان هم باید به ما ببالند. در عرصه پهناور ایران‌زمین فردوسی، سنایی، ابن‌سینا، فارابی، سعدی، مولوی و حافظ، ابن‌عربی، ملاصدرا و بزرگان دیگری داریم که خدمات ابدی آنها بر هیچ‌کس پوشیده نیست و قلمم از نوشتن و نام‌بردن این یگانه‌های همه اعصار قاصر است. همه ما از این دنیا رخت برمی‌بندیم و همه اعمال و خدمات‌مان در این جهان باقی می‌ماند. از همین‌جا به دست‌اندرکاران و مخاطبان جشنواره جهانی فیلم فجر سلام عرض می‌کنم؛ سلامی توأم با دعای خیر. امید دارم جوانان ما قدر این روزها را بدانند و برای سرفرازی و سربلندی کشورمان، ایران عزیز، هرچه بیشتر کوشا باشند.



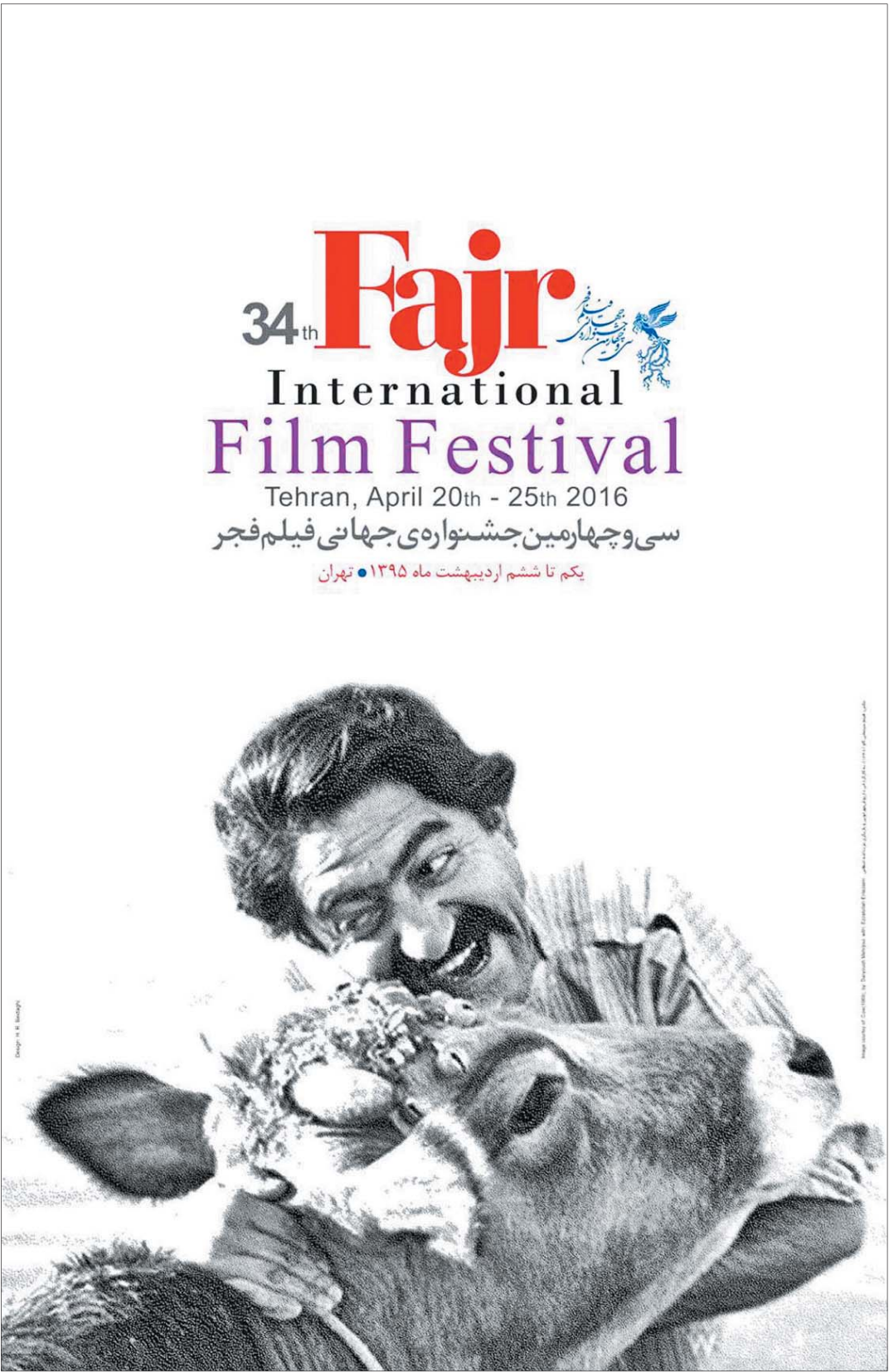
فرانک آرتا

سی‌و چهارمین جشنواره جهانی فیلم فجر از این منظر که توانست همگرایی میان سینماگران جهت مشارکت در این دوره جشنواره ایجاد کند، حازاهمیت است. از جمله حضور مجید مجیدی، کارگردان فیلم‌هایی همچون «بچه‌های آسمان»، «بیدمجنون»، «پدر»، «محمدرسول‌الله(ص)» و ... در هیأت داوران بخش رقابتی سینمای سعادت و هم‌منظر تمایل او برای برگزاری کارگاه آموزشی به علاقه‌مندان و هنرجویان سینما، سولاتی را مطرح کرد. در این گفت‌وگو مجید مجیدی به تحلیل جشنواره پرداخت و درباره چرایی همکاری‌اش توضیحاتی ارائه کرد.

■ شما در سی‌وچهارمین جشنواره جهانی فیلم فجر، هم به‌عنوان داور و بخش رقابتی جشنواره (سینمای سعادت) فیلم‌ها را مورد قضاوت قرار می‌دهید و هم در کارگاه‌های آموزشی «دارالفنون» در کنار سایر سینماگران مطرح ایرانی به هنرجویان سینما آموزش می‌دهید. به طورکلی نگاهتان به این دوره جشنواره فیلم فجر که دومین‌سالی است بخش ملی و بین‌الملل آن از هم مجزا شده‌اند، چیست؟ به نظر من به دلیل حضور آقای میرکریمی، جشنواره رنگ دیگری به خود گرفته است. جشنواره، هم از نقطه‌نظر اجرا و هم نگاهی که رضا میرکریمی به‌عنوان دبیر در برگزاری آن لحاظ کرده، توانسته سطح خود را بالا ببرد و خوشبختانه قاطبه اهالی سینما متوجه این نوع تغییرات شده‌اند. امیدوارم این اتفاق مستمر شود و جشنواره هر سال روند رو به رشدی داشته باشد.

■ شما تغییرات را بیشتر در کدام‌یک از اجزای برگزاری جشنواره می‌بینید؟ این تغییرات، از چگونگی اجرای بخش‌های مختلف جشنواره تا محتوای فیلم‌ها را دربر می‌گیرد. چون دیگر جشنواره صرفاً محل نمایش فیلم‌ها نیست. برگزاری کارگاه‌های تخصصی و آموزشی و رابطه نزدیک مخاطبان با سینماگران از نقاط مثبت آن محسوب می‌شود. برایم جالب است که مخاطبان این جشنواره از طریق اینترنت ثبت‌نام کردند و از این طریق قریب به هفت‌هزار نفر علاقه خود را برای حضور در جشنواره اعلام کرده‌اند. این نشان می‌دهد که جشنواره سمت‌وسوی تخصصی پیدا کرده و برای تبلیغ خود از روش‌های جدید استفاده کرده است.

■ آقای مجیدی! به نکته مهمی اشاره کردید که



فهرست فیلم‌های برگزیده جشنواره فیلم فجر ۱۳۹۵

گفت‌وگو با مجید مجیدی، فیلم‌ساز

جشنواره فیلم فجر قابلیت جهانی شدن دارد



عکس: مهدی حسینی

دبیر جشنواره در این دوره «نگاه» متناسبی را دنبال می‌کند. طبعاً اساس هر کار هنری – فرهنگی را بنیان‌های فکری آن تشکیل می‌دهد. شما این نوع نگاه را چگونه تحلیل می‌کنید؟ طبعاً تحلیل دقیق و اصولی به بعد از جشنواره موکول خواهد شد. چون این موضوع را باید در کلیات دید و سپس درباره جزئیات آن به گفت‌وگو نشست. اما در مدت برگزاری جشنواره، همین که کاخ جشنواره به دل شهر و میان مردم آورده شد، نکته مهمی است. محدودنشدن در فضای بسته‌ای مثل برج میلاد نشان می‌دهد که مخاطبان برای دبیر جشنواره خیلی مهم هستند. چون در همه‌جای دنیا اینگونه است که جشنواره باید میان مردم و فیلم‌سازان پل ارتباطی بزند، نه‌اینکه محدود به افراد خاص باشد. امسال جشنواره



رقم می‌خورد. تا پیش از این اغلب جشنواره فیلم فجر به میهمانی شبیه بود تا جایگاهی برای کشف نگاه‌های مختلف. همین‌هاست که سی‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر را به نقطه عطف تبدیلی می‌کند و می‌تواند در آینده نویددهنده اتفاقات خوب در سطح منطقه و سینمای آسیا شود. به همین دلیل از نگاه این دوره جشنواره دفاع می‌کنم. چون چنین دیدگاهی حاصل ساعت‌ها کار کارشناسی و تلاش شبانه‌روزی است.

■ آقای مجیدی! شما که فیلم‌هایتان در جشنواره‌های متعدد از شرق دور تا غرب حضوری تحسین‌برانگیز داشته است، در جشنواره‌های مختلفی همچون برلین حضور داشتید و حتی فیلم «بچه‌های آسمان» نامزد دریافت اسکار شد، حتماً اطلاعات مکفی از نگاه حاکم بر جشنواره‌های جهانی دارید. می‌خواهم بدانم با این‌س نگاه اگر جشنواره جهانی فیلم فجر این مسیر را ادامه بدهد، می‌تواند در سطح آسیا و حتی جهان به‌عنوان یک قطب فرهنگی مطرح شود؟

حتماً. حتی می‌تواند در رده بزرگ‌ترین جشنواره‌های فیلم جهان هم قرار بگیرد. چون جشنواره‌هایی همچون کن، برلین و حتی کمی اسکار با اتکا به سینمای ملی‌شان توانستند به اعتبار دست یابند. حال اینها را مقایسه کنید با جشنواره برطمطراقی مثل جشنواره فیلم دوبی. با میلیاردها پول و ریخت‌وپاش و دعوت از ستارگان سینما که گاهی حتی از مراسم اسکار هم بیشتر خرج می‌کنند، هنوز نتوانسته به وجهات فرهنگی دست یابد و در سطح مانده است. می‌دانید چرا؟ چون هیچ‌وقت هویت فرهنگی و سینمایی نداشته. فقط تلاش می‌کنند زرق‌وبرق آن را بیشتر کنند. درحالی‌که هویت هر جشنواره‌ای متکی به سینمای آن کشور است. اصلاً آنها فیلم‌ساز مطرح ندارند. اما شما ببینید که سینمای ایران چقدر فیلم‌سازان معتبر در ژانرهای مختلف دارد. در گذشته ایران را با پسته و فرش می‌شناختند و امروزه جدا از اصل انقلاب اسلامی، کشورمان را به‌واسطه سینمایش می‌شناسند. پس اینها سرمایه‌های ماست که می‌توان در جهت درست از آن استفاده کرد.

■ در کلاس‌های آموزشی قصد دارید چه مباحثی را با هنرجویان در میان بگذارید؟

خب این کلاس‌ها در فرصت محدود برگزار می‌شود. طبعاً هر فیلم‌سازی با اتکا به دانش و تجربه شخصی‌اش در دنیای سینما حرف‌هایی برای گفتن دارد. انتقال تجربه، نخستین روش است و با توجه به دنیای فیلم‌های فیلم‌ساز، پرسش‌هایی مطرح می‌شود. ممکن است برخی برایشان جالب باشد که بدانند نوع نگاه مجیدی به زندگی و جهان‌پیرمونش چیست. من هم سعی می‌کنم به این مسائل بپردازم.

جهان

شنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۹۵ • سال سیزدهم • شماره ۲۵۶۵ • ۹

شرق روزنامه

نگاه

تحلیلی درباره پوسترهای جشنواره

همسایه مینی‌مال «مش‌حسن»



تورج منبری‌وند
گرافیکست

«مش‌حسن» می‌خندد و با هیجانی که تنه به جنون می‌زند دست در کردن گاوی دارد که بی‌هیج احساسی به راست نگاه می‌کند. کیفیت تصویر هم به قدیمی بودنش اشاره دارد. در پس‌زمینه چیزی نیست که مزاحم دید باشد. این است که پوستر اصلی «جشنواره جهانی فیلم فجر» آرتیستیک و سینمایی است. می‌توان پوستر را جزء یکی از پوسترهای خوب جشنواره‌های فجر دانست، به شرط آنکه نوشته‌های پوستر را نادیده بگیریم. نوع چینش نوشته‌ها، انتخاب فونت‌ها، رنگ‌ها و فاصله‌های متنوع بین حروف نه به همدیگر می‌آیند و نه به فضای حاکم بر پوستر. خاصه نوشته‌های انگلیسی. هر کلمه یک فونت و یک رنگ نوشته دارد. فونت‌های دکوراتیو و ساده با هم ترکیب شده‌اند و هر کدام رنگی به خود گرفته است. احتمالاً بی‌آنکه دلیلی داشته باشد. فونت‌ها انگار از سادگی می‌ترسند و می‌خواهند سادگی پوستر را بگیرند. در نوشته‌های انگلیسی فاصله بین حروف دائم تغییر می‌کند تا جایی که خوانایی را از عنوان انگلیسی پوستر می‌گیرد. مخاطب به‌سادگی نمی‌تواند عنوان پوستر را بخواند. باید ترتیب کلمه‌های انگلیسی را کشف کند. در حالی‌که گرافیک دیزاین قرار است ارتباطات بصری را ساده‌تر کند. اما عنوان فارسی درست است. یک فونت، در یک سطر و با یک رنگ. فاصله‌ها و جای‌گذاری نقطه‌ها اصلاح شده است. شخصیت گرافیکی عنوان فارسی با اتسفر آرتیستیک پوستر هماهنگ است. فقط طراح، در طراحی عنوان فارسی و انگلیسی دچار تناقض شده. عنوان انگلیسی ساخت و پرداخت اضافی دارد ولی عنوان فارسی آرام و جاقفاده است. اگر این پوستر را در کنار پوسترهای دیگر جشنواره‌های فجر بگذاریم، جزء پوسترهای خوب است. اما طراحی عنوان پوستر باشنه‌اشیل پوستر است که نمی‌گذارد آن را به‌تنهایی پوستر خوبی خواند.

ایده پوستر اصلی: انتخاب تصویری از «مش‌حسن» وقتی گاوا را در برکه روستا حمام می‌کند، حسی نوستالژیک دارد. خاصه برای مخاطب فیلم‌بین ایرانی. هم توجه مخاطب را می‌گیرد و هم خاطره‌اش را درگیر می‌کند. این برای مخاطب ایرانی خوب و دوست‌داشتنی است. اما نه برای مخاطب خارجی. این پوستر لزوماً تصویر درستی از ایران در رسانه‌های جهانی مخابره نمی‌کند. مردمان جاهای دیگر جهان تصویر و تصور واقعی از ایران ندارند. وقتی به ایران می‌آیند گویی انتظار دارند با ایرانی شبیه به روستای «مش‌حسن» مواجه شوند و وقتی با شهریت ایران معاصر مواجه می‌شوند، جا می‌خورند. این پوستر از این‌سو، تصویر درستی از ایران مخابره نمی‌کند.

پوسترهای جنبی: پوسترهای قدیمی فیلم «گاو» و «باد صبا» با سلیقه خوبی بازطراحی شده‌اند. طوری که پوسترهای جدید برای مخاطبی که پوسترهای قبلی را دیده، آشناست. پوسترها هویت گرافیکی خود را کاملاً حفظ کرده‌اند. پوستر دیگری برای بخش جنبی «بازار» طراحی شده. پوستر تصویری شفاف و درخشان دارد از سقف یک بازار سنتی. نوشته در قابی از آن ترکیب شده است. ترکیب‌بندی نوشته‌ها شبیه به پوستر اصلی است، از همان ویژگی‌ها.

پوسترهای جنبی مینی‌مال: چهار پوستر دیگر، در یک ژانر طراحی شده‌اند. پوسترهایی بسیار ساده، با رنگ‌ها درخشان، با ایده‌های بصری خوب که هر کدام آدرس‌های درستی به مخاطب می‌دهند. پوستر با عنوان «جلوه‌گاه شرق»، که سینمای کشورهای آسیایی و اسلامی را بازنمایی می‌کند و تصویری آن، الهام‌گرفته از معماری شرقی و نزدیکان است که با نکتاتیو ساخته شده. این نکتاتیو در باقی پوسترهای این چهار پوستر مینی‌مال هم دیده می‌شوند. نکتاتیوها بر پوستر تحمیل نشده‌اند و در هر پوستر نقشی موثر بازی می‌کنند. پوستر دیگر، پوستر «سینمای فرانسه» است. طراح این بار نکتاتیو را راهی ساخته به سوی دری نیمه‌باز؛ در سفید رنگی که یکی از سه تکه رنگی پرچم فرانسه است. اما نکتاتیو در پوستر «نمایش‌های ویژه» نقش یک پل را می‌سازد که دو سوی یک شاف-دره را به‌هم وصل می‌کند. در پوستر هیچ چیز اضاف‌های وجود ندارد. طراح از هیچ المان بصری دیگری برای تداعی بیشتر پل استفاده نکرده است. این نشان از پختگی طرح دارد. حرف اضاف‌های نمی‌زند. این پوستر بدون سایه پل که به‌سادگی و خوبی در کار آمده، شاید این میزان از پختگی فعلی‌اش را نداشت. این پوستر احتمالاً بهترین پوستر این مجموعه است. پوستر «جشنواره جشنواره‌ها» هم در همین ساختار گرافیکی طراحی شده است اما دقیقاً مشخص نیست ایده تصویر و دو مثلث- منشورماندگی که روی هم ایستاده‌اند، چه چیزی را نشان می‌دهند؟

نامه‌خانوادگی پوسترها: درواقع پوسترهای این جشنواره را در دو کفه می‌توان جدا کرد؛ پوسترهای مینی‌مالیستی و پوسترهای ایرانی- قدیمی. پوستر اصلی، پوستر بازار و پوسترهای بازسازی‌شده باد صبا و گاودر یک کفه و پوسترهای مینی‌مال در سوی دیگر. دو کفه اختلاف زیادی با هم ندارند. اما اینها را نمی‌توان کنار هم گذاشت و در یک جشنواره دید. این ایراد هویت سازمانی یک جشنواره است. مخاطبی که پوستر اصلی جشنواره را می‌بیند، نمی‌تواند حدس بزند پوسترهای مینی‌مال هم به این جشنواره مربوط است. ازاین‌رو می‌توان گفت دو سبک مختلف پوستر به هویت بصری یکپارچه جشنواره آسیب می‌زند. اگر طراح و دبیرخانه دنبال آن بودند که تصویری قدیمی و شرقی از ایران بازنمایی کنند، دیگر نباید پوسترهای مینی‌مال را طراحی می‌کردند. پذیرفتنی هم نخواهد بود بگویند پوسترهای مینی‌مال را طراحی کردیم تا چهره مدرن‌تری از ایران را هم روایت کنیم. این دو ژانر مختلف متناقض هستند. یکی پیامی سنتی –شرقی از ایران روایت می‌کند و دیگری تصویری مدرن و مینی‌مال.

درنهایت: پوسترهای این جشنواره باسلیقه و پیشرو هستند. ایراداتی هم دارند. ازجمله نبود هویت گرافیکی یکپارچه در جشنواره و ازجمله جزئیات گرافیکی، خاصه در عنوان‌ها و نوشته‌ها. اما با رجوع به میانگین پوسترهای ضعیف و بی‌ارزشی که سازمان‌های دولتی و رسمی منتشر می‌کنند، می‌توان حدس زد قانع‌شدن مدیران این جشنواره به پوسترها کاری سخت بوده. اما انتشار این پوسترها و تأییدشدن‌شان، پیامی شفاف برای طراحان گرافیک تأمید ایران از سیستم‌های دولتی و رسمی دارد: حتی اگر مدیران دولتی و رسمی درنهایت کج‌سلیقگی باشند - که عموماً هستند- باز هم می‌توان کارهای باسلیقه و خوش‌ساختی طراحی کرد و به مرحله اجرا رساند.

دارالفنون

کاری گروهی



مازیار میری

هدف برگزاری جشنواره‌ها اهمیت بسیاری دارد، اگر هر جشنواره هدفش از قبل مشخص باشد و تلاش کند تا به هدف مورد نظر برسد، جشنواره‌ای قابل اعتنا برگزار خواهد شد. از زمانی که برگزاری جشنواره جهانی فیلم فجر به آقای میرکریمی پیشنهاد شد، هدف مشخصی برای این جشنواره در نظر گرفته شد و رویکرد برگزاری به گونه‌ای بود که ثمرات این جشنواره نصیب سینمای ایران شود و به پشتوانه برگزاری این جشنواره، تأثیر مستقیمی در کشور و منطقه گذاشته شود. براساس این رویکرد با مدیران بخش‌های مختلف صحبت شد. یکی از بخش‌هایی که بر استعدادیابی بنا گذاشته شد، بخش دارالفنون بود که یکی از بهترین اهداف جشنواره جهانی فیلم فجر است. بخش دارالفنون یکی از بخش‌های هیجان‌انگیز جشنواره است؛ اتفاقی که براساس آن چیزی بالغ بر صد استعداد از کشورهای منطقه دور هم جمع می‌شوند تا در کنار بهترین‌های ایران و جهان به تبادل اطلاعات بپردازند. باید از هنرمندانی که در طول برگزاری جشنواره در کنار این‌بخش خواهند بود سپاسگزاری کنم. امیدوارم بعد از برگزاری جشنواره فیلم فجر هم بتوان این روند را ادامه داد و باز هم بتوانیم کارهای افرادی که استعدادی در زمینه سینما دارند را بررسی کنیم. باید از دبیر جشنواره



فیلم فجر قدردانی کرد که برای برگزاری این جشنواره بر حسب هدف مورد نظر، به سراغ سینماگران و افراد آشنا با این حیطه رفت و باذقت هر فرد را در جایگاهی که بتواند برای این جشنواره ثمرات بیشتری داشته باشد، گذاشت و در جایی هم به این نکته اشاره کردم وقتی کارنامه افراد سینمایی حاضر در این جشنواره را بررسی کنیم چیزی بالغ بر ۴۰۰ فیلم‌ساز در این جشنواره بر حسب هدف مورد نظر، به سراغ سینماگران و افراد آشنا با این حیطه رفت و باذقت هر فرد را در جایگاهی که بتواند برای این جشنواره ثمرات بیشتری داشته باشد، گذاشت و در جایی هم به این نکته اشاره کردم وقتی کارنامه افراد سینمایی حاضر در این جشنواره را بررسی کنیم چیزی بالغ بر ۴۰۰ فیلم‌ساز در این جشنواره بر حسب هدف مورد نظر، به سراغ سینماگران و افراد آشنا با این حیطه رفت و باذقت هر فرد را در جایگاهی که بتواند برای این جشنواره ثمرات بیشتری داشته باشد، گذاشت و در جایی هم به این نکته اشاره کردم وقتی کارنامه افراد سینمایی حاضر در این جشنواره را بررسی کنیم چیزی بالغ بر ۴۰۰

مدیر بخش دارالفنون

